

***Investigating the Life Characteristics of Iranian Sunnis in the Islamic Republic of Iran (1979-2021)***

**Mansour Anbarmoo\***  
**Fereshteh Ebrahimi\*\***

**E-mail: mansour\_anbarmoo@yahoo.com**  
**E-mail: fr.ebrahimi@yahoo.com**

**Received: 2024/12/07**

**Revised: 2024/07/27**

**Accepted: 2024/07/30**

**Doi: 10.22034/RJNSQ.2024.429377.1542**

**Abstract:**

Iranian Sunnis, although one of the important religious groups in the geopolitical and religious landscape of Iran, have not received adequate attention in the academic literature on understanding the relationship between the political system and social groups in Iran. Existing studies have mainly focused on understanding the actions of Shia groups, neglecting the systematic understanding of the biological components of Sunnis within the historical context and their relationship with the political system. By reflecting on the political and social transformations of the contemporary period and historical perspectives, the main question of this article is how the weight and position of Iranian Sunnis in the structure of political power and their interactions within the regulatory aspects of the Islamic Republic's political system can be explained. Drawing on the theory of multicultural citizenship by Will Kymlicka, the research hypothesis is that Iranian Sunnis, as an example of multicultural citizenship, have reached a social contract in the peaceful coexistence domain with society and the political system through long-standing interactions and religious commonalities. However, historical disruptions resulting from the lack of declarative rights, non-application of upper-level laws, implementation of collectivist policies, and the expansion of semi-secular government actions during the first Pahlavi period and deliberate neglect during the second Pahlavi have disrupted the relationship between the political system and Sunnis, leading to a widening gap between government and society. From Kymlicka's perspective, achieving multicultural citizenship requires realizing common goods and ensuring legal rights including ethnic rights, representation rights for special groups, and rights to self-governance. Therefore, the Islamic Republic has initiated a series of actions through policymaking and distribution of public benefits to bridge gaps, facilitate mutual actions, and organize commonalities while understanding limitations and the necessity of resource allocation towards achieving the common good. With a constructive approach, it has made Sunnis eligible for multicultural citizenship traits by improving their belief in citizenship.

**Keywords:** Iranian Sunnis, Islamic Republic, Citizenship, Social Cohesion, Religious Groups.

---

\* Ph.D. in Political Science and Researcher of Iranian Issues, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author).

\*\* M.A. in Political Science and Researcher of Iranian Issues, Mofid University, Qom, Iran.

## بررسی مختصات زیست اهل سنت ایرانی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۴۰۰)

نوع مقاله: پژوهشی

منصور عنبرمو\*  
فرشته ابراهیمی\*\*

E-mail: Mansour\_anbarmoo@yahoo.com

E-mail: Fr.ebrahimi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۹

### چکیده

اگرچه اهل سنت ایرانی یکی از گروه‌های مذهبی مهم در جغرافیای سیاسی و مذهبی سرزمین ایران هستند؛ با این حال، بررسی ادبیات مطالعاتی در حوزه فهم نسبت نظام سیاسی و گروه‌های اجتماعی در ایران، معطوف به فهم کنش‌های باستان‌گرایی ناسیونالیستی و مناظر بر مغالطاتی همچون کل‌نگری و یکسان‌نگاری است؛ از این رو، فهم روشمند مؤلفه‌های زیستی اهل سنت داخل از مجرای درک گذشته تاریخی و کیفیت رابطه آن‌ها با نظام سیاسی از موضوعات درخور واکاوی است. با تأملی بر تحولات سیاسی - اجتماعی دوره معاصر و نظرگاه‌های تاریخی، این مقاله درصدد بررسی و پاسخگویی به این سؤال است که وزن و جایگاه اهل سنت ایرانی در ساختار قدرت سیاسی و همچنین، عرصه کنش آن‌ها با توجه به جوه تنظیم‌گرایانه نظام سیاسی جمهوری اسلامی به چه صورت قابل تبیین است؟ با بهره‌مندی از نظریه «شهروندی چندفرهنگی» و روش تحلیل کیفی اعم از مشاهده میدانی، مصاحبه و تجزیه و تحلیل اسنادی، فرضیه پژوهش چنین است که اهل سنت ایرانی از مجرای برهم‌کنش‌های دیرپا و اشتراکات دینی، به نوعی قرارداد اجتماعی در حوزه زیست همدلانه با جامعه و نظام سیاسی رسیدند؛ با این حال، برخی اختلالات تاریخی در نتیجه فقدان حقوق تصریحی، عدم کاربست قوانین بالادستی و بسط اقدامات دولت مطلقه در دوره پهلوی اول و بازتداوم نادیده‌انگاری عامدانه در دوره پهلوی دوم، سبب مخدوش شدن رابطه نظام سیاسی و اهل سنت و تراکم شکاف دولت - جامعه گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با سیاست‌گذاری و توزیع منافع عمومی، به مجموعه اقداماتی به‌منظور تعدیل شکاف‌ها، فراهم‌آوری بستر کنش‌های متقابل و سامان‌یابی مشترکات مبادرت نموده و ضمن فهم محدودیت‌ها و لزوم تخصیص و بازتوزیع منابع در جهت تحقق خیرجمعی، با رویکردی بهبودباورانه، شهروندان اهل سنت را واجد خصلت شهروندی چندفرهنگی نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** اهل سنت ایرانی، جمهوری اسلامی، شهروندی، همبستگی اجتماعی، گروه مذهبی.

\* دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر مسائل ایران، دانشگاه مفید، قم، ایران.

### مقدمه و بیان مسئله

پژوهش حاضر در بردارنده بحثی در باب کیفیت رابطه نظام سیاسی جمهوری اسلامی و اهل سنت ایرانی در ابعاد سیاسی، حقوقی و اجتماعی است. استقرار و دوام نظام جمهوری اسلامی برآمده از کنش جمعی جامعه ایران، فارغ از تمایزات قومی و مذهبی بوده و تعالی بنیان‌های موجود، منوط به بازاندیشی تاریخی زیسته ایرانیان و بررسی زمینه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها است. این پژوهش از حیث محتوایی، در زمره نخستین پژوهش‌هایی است که با در نظر داشتن مقوله شهروندی چندفرهنگی و دو مؤلفه تأثیرگذار بر کنش سیاسی و اجتماعی در قالب «ارزش‌های مشترک» و «تعهدات مشترک»، گذشته تاریخی اهل سنت ایرانی را در محدوده چهار دهه اخیر مرور می‌کند و مختصات زیستی آن‌ها را به شکل روشمند مورد تحلیل قرار می‌دهد. علی‌رغم تلاش برای جامعیت و رعایت عینیت در ارائه تصویری روشن از وضعیت اهل سنت در ایران، برخی موانع مانند فقر ادبیات پژوهش و فقدان آمارهای کمی در مراجع رسمی از جمله محدودیت‌های جدی بود. با این حال، تلاش شد با ارائه آمارهای متقن، مصاحبه و عرضه تحلیل ملموس، طرح بحث مطلوبی شکل بگیرد. به منظور تحلیل رابطه میان اهل سنت و نظام سیاسی در ایران، نیاز بود تا بستر تحلیل را مبتنی بر فضای ذهنی متعامل بازسازی نمود؛ بدین صورت که به مثابه مفاهیمی بارور، نه تنها ناظر بر رابطه میان جغرافیای ایران و مذاهب اهل سنت باشد، بلکه عناصر زیستی هم‌تراز همچون زبان، نژاد، فرهنگ، خاطرات و تجارب تاریخی حول مشترکات سامان یابد. مرور تجربه جهانی در قرن بیستم نشان می‌دهد که هویت‌های خرد محو نخواهند شد و دو منبع قدرتمند امر اجتماعی همواره سرچشمه‌های بسیاری از امور زندگی انسان‌ها به حساب خواهند آمد (برزگر و مهنی‌زاده فلاحیه، ۱۴۰۱: ۸۵).

### پیشینه پژوهش

باتوجه به ابتدای پژوهش حاضر بر فهم رابطه نظام سیاسی و اهل سنت در ایران، با مطالعات اکتشافی مشخص شد در این حوزه، پژوهش‌چندانی انتشار نیافته است. در یکی از نزدیک‌ترین آثار به پژوهش حاضر با عنوان «بررسی چالش جامعه اهل سنت بلوچ با نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، صدیقه شیخ‌زاده (۱۳۸۵) با نگاهی صرف به اهل سنت بلوچ شرق ایران، مسئله پژوهش خود را بررسی رابطه میان دو متغیر جامعه اهل سنت بلوچ به عنوان «حاشیه» و جمهوری اسلامی به عنوان «متن» قرار داده و نتیجه گرفته

است که بین این دو، چالش ذهنی از حیث ناهمخوانی‌های بینامتنی برآمده از زمینه‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی برقرار است. در میان کتب باید به کتاب *اهل سنت ایران؛ تحلیل آماری بر خورنداری و متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت نوشته حسین گودرزی (۱۳۸۱)* اشاره کرد. نویسنده در این اثر به بررسی فاکتورهای جمعیت، پراکندگی، مذاهب و شاخص‌ها در قالب متغیر کلان بر قدرت سیاسی پرداخته است. همچنین، از دیگر پژوهش‌های مربوط می‌توان به کتاب *اهل سنت ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها نوشته عبدالظاهر سلطانی (۱۳۹۵)* اشاره کرد. علی‌رغم تعلق مذهبی نویسنده با بدنه اهل سنت ایران، این کتاب نیز بر مبنای اطلاعات گزینشی و بعضاً یک‌جانبه، فاقد نگاه جامع، تاریخ‌نگاری و تأکید بر رشد مستقل اهل سنت تدوین شده است. در زمره تازه‌ترین آثار، باید به کتاب *اهل سنت و جریان‌های تکفیری نوشته احمد احمدی کلسیانی (۱۳۹۸)* نیز اشاره کرد که بخش ابتدایی کتاب خود را به جمعیت‌شناسی استانی / منطقه‌ای اهل سنت در ایران اختصاص داده است. کتاب *مذاهب در ایران نوشته مهدی فرمانیان و محمدحسن بهشتی (۱۴۰۰)* نیز به سیاق موارد پیشین، به مطالعه جمعیت، اماکن مذهبی، مذاهب و جریان‌های فکری اهل سنت ایرانی پرداخته است. در نهایت، کتاب *اطلس توصیفی اهل سنت ایران نوشته مهدی مسائلی (۱۴۰۲)* به بررسی مؤلفه‌های جغرافیایی، جمعیتی و جریان‌شناسی اهل سنت ایران با رویکردی توصیفی پرداخته است. مروری بر تتبعات روزنامه‌ای نیز نشان‌دهنده برخی کاستی‌ها است؛ از جمله اینکه تاریخ‌نگاری مستندی از وضعیت اهل سنت در ایران معاصر با تأکید بر دوره‌های تاریخی صورت نگرفته و تأثیر تحولات سیاسی ایران بر اهل سنت ایرانی و مواضع و جایگاه اهل سنت در رخدادهای ملی روشن نیست. در پژوهش حاضر، تلاش شده است با در نظر داشتن رویکرد کمی و کیفی در تحلیل، توجه به اقتضائات جمعیتی و پراکندگی، درک نقاط عطف تاریخی و فهم تأثیر تحولات سیاسی، شناسایی نهادها و ساختارها، فراروی از روایت‌های رسمی و برجسته کردن زمینه‌های تعاملی (ظهور اسلام‌گرایی سنی، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی)، تحلیل نوینی از رابطه اهل سنت ایران و جمهوری اسلامی به صورت متقابل ارائه شود.

### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش تلاش شده با در نظر داشتن رویکرد تحلیل کیفی، ضمن مرور تتبعات موجود در حوزه اهل تسنن ایرانی، مشاهده میدانی، مصاحبه و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، جنبه‌های معاصر رابطه اهل سنت و جمهوری اسلامی بررسی و بیش‌های نوین درمورد

کیفیت زیست سیاسی و اجتماع و چشم‌انداز آینده ارائه شود؛ همچنین، با دسته‌بندی سیاست‌های بالادستی نظام جمهوری اسلامی (اعلامی و اعمالی)، ضمن انجام مصاحبه عمیق و برقراری ارتباط با هسته‌ها و چهره‌های تأثیرگذار اهل سنت ایران، شناسایی حوزه‌های فردی و جمعی مؤثر بر روندها در جهت فهم مختصات زیست اهل تسنن در ایران و کیفیت رابطه آن‌ها با نظام سیاسی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، به منظور اتقان یافته‌های پژوهش با ۵۰ مرد و زن اهل سنت<sup>(۱)</sup> اعم از سیاست‌ورز، عالمان مذهبی، دانشجویان، اқشار اجتماعی، پژوهشگران، مدرسان و طلاب مدارس علوم دینی مصاحبه صورت گرفت که نتایج آن در بخش دوم و سوم پژوهش مورد کاربست قرار گرفته است.

### مبانی نظری

نظریه «شهروندی چندفرهنگی» ویل کیملیکا، فیلسوف سیاسی کانادایی، مبنای نظری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. کیملیکا با این مفروض اساسی که ناهمگونی فرهنگی وجه شاخص اغلب کشورها است و امروز فرهنگ‌های گروه‌های مذهبی، بیش‌ازپیش خواهان به رسمیت شناخته شدن تمایزهای فرهنگی خویش هستند، نظریه خود را به منظور مدیریت تعارض‌های چندفرهنگی و سیاست‌های قومی صورت‌بندی و عرضه می‌نماید (کیملیکا، ۱۹۹۵: ۱۰). وی از اصطلاح چندقومیتی و چندملیتی نیز در همین راستا بهره می‌برد؛ زیرا فرهنگ را با قوم و ملیت مترادف می‌داند (توسلی رکن‌آبادی و صالح‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۶). کیملیکا از منظر لیبرال‌دموکراسی و اضافه نمودن خوانشی جماعت‌گرایانه از حقوق گروه‌های مذهبی دفاع می‌کند و بر آن است که عمیق‌ترین چالش برای همبستگی اجتماعی در اکثر کشورها مربوط به گروه‌های ملی تاریخی است؛ یعنی کسانی که سابقه سکونت بیش از هزارسال و پیش از تأسیس دولت ملی را دارند نه لزوماً مهاجران نوین آن‌ها (کیملیکا، ۲۰۱۱: ۲۸۱). وی با مروری تاریخی بر منازعات حقوقی لیبرالیسم در خصوص حقوق گروه‌های مذهبی و برشمردن کاستی‌های سیاسی و اجتماعی در کنار لزوم تخصیص خیرهای جمعی معتقد است برای ایفاد حقوق، قائل بودن به سه نوع حقوق جمعی می‌تواند راهگشا باشد: نخست، حقوق چندقومی شامل حمایت‌های مالی و ترتیبات حقوقی برای فعالیت‌های مشخص؛ دوم، حقوق نمایندگی گروه‌های ویژه شامل تضمین برخی کرسی‌های مجالس نمایندگی برای گروه‌های قومی در سطح دولت و حکومت و درنهایت، حقوق خودحاکمیتی اعم از تفویض تدریجی قدرت به گروه‌های قومی (توسلی رکن‌آبادی و صالح‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۴).

باید اشاره کرد که نظریه شهروندی چندفرهنگی از زوایای معناشناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی و آثار و پیامدهای عملی - اجرایی مورد نقد جدی قرار دارد؛ به نحوی که فرضیات و آموزه‌های آن را مورد پرسش قرار می‌دهد. بر این اساس، اغتشاش و پراکندگی مفهومی و تکثر معنایی مختصات مفهوم چندفرهنگ‌باوری، عدم امکان بی‌طرفی دولت میان فرهنگ‌ها و گروه‌ها، فرض ثبات و تغییرناپذیری فرهنگ‌ها و نسبت آن با عنصر ملیت، تعریف کل‌گرایانه، غیرتاریخی و ایدئالی از جامعه و فرهنگ در کنار خلط مفهومی میان گروه‌های فرهنگی و فرهنگ‌ها و هویت فرهنگی، تضاد نظریه شهروندی چندفرهنگی با ملیت و همبستگی اجتماعی از مجرای سست نمودن تعهدات مشترک و مشروعیت‌بخشی به تقسیم‌بندی شهروندان در امتداد خطوط هویتی و درنهایت، تشدید فرسایش توانایی شهروندان در ایفای مسئولیت شهروندی از برجسته‌ترین نقدها به این نظریه است (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

این واقعیت که اهل سنت در ایران گروه مذهبی مهاجر نیستند و قرن‌هاست سابقه زیست در ایران را دارند می‌تواند در تطابق‌پذیری مبانی نظری با موضوع پژوهش سودمند باشد. همچنین، با بررسی اقدامات و برنامه‌های جمهوری اسلامی در خصوص اهل سنت، میزان نزدیکی رویکرد جمهوری اسلامی به نظریه شهروندی چندفرهنگی و ایفاد حقوق چندگانه مدنظر را به آزمون خواهیم گذاشت.

#### ۱- درآمدی بر اهل سنت در ایران

اهل سنت ایرانی امروز با جمعیت تخمینی هشت تا ده میلیون نفری در دوازده استان، سابقه دیرپایی در سکونت در ایران داشته‌اند. در خصوص آمار جمعیتی اهل سنت به دلیل فقدان آمار رسمی، مناقشه بسیار است و اطلاعات در این زمینه غالباً تخمینی است.

#### ۱-۱- جمعیت و گستره اهل سنت در ایران

در یکی از نخستین پژوهش‌ها در حوزه اهل سنت، حسین گودرزی جمعیت اهل سنت ایران در سال ۱۳۷۵ شمسی را پنج میلیون و دویست هزار نفر و پراکندگی آن‌ها را در یازده استان کشور اعلام می‌کند (گودرزی، ۱۳۸۱: ۱۹). عبدالظاهر سلطانی و مهدی مسائلی بر آمار ده‌ونیم میلیون نفر تأکید دارند (سلطانی، ۱۳۹۵: ۶۶؛ مسائلی، ۱۴۰۲: ۴۶). مهدی فرمانیان معتقد است جمعیت اهل سنت ایران حدود هشت میلیون نفر، اغلب پیروان مذاهب شافعی (۵۸ درصد) و حنفی (حدود ۴۲ درصد) است که در چهارده استان کشور تمرکز یافته‌اند (فرمانیان و بهشتی، ۱۴۰۰: ۱۵). با مرور اسناد تاریخی و در غیاب مستندات، معدود گزارش‌های فردی در رفع مناقشه موجود راهگشا است.



علی اصغر حکمت از سیاستمداران دولت پهلوی دوم، تصویری از گروه‌های مذهبی حنفی و شافعی در سال ۱۳۵۰ ارائه نموده که بر این اساس، جمعیت اهل سنت بالغ بر ۲,۲۰۰,۰۰۰ نفر بوده است (حکمت، ۱۳۵۳: ۹).

اگر این سابقه تاریخی را با داده‌های جمعیت کل و جمعیت فعلی اهل سنت تطبیق دهیم، به نسبت ثابت هشت درصد می‌رسیم و بنابراین، می‌توان جمعیت اهل سنت ساکن در ایران در هر دوره را حدود هشت درصد جمعیت کل ارزیابی نمود؛ از این رو، جمعیت اهل سنت ایرانی از سال ۱۳۳۵ (اولین سرشماری عمومی) تا ۱۳۹۵ در جدول زیر برآورد می‌شود.

جدول شماره ۱. برآورد جمعیت اهل سنت در بازه زمانی ۱۳۳۵-۱۳۹۵

سال معیار	جمعیت کل ایران	جمعیت اهل سنت (شاخص ۸ تا ۱۰ درصدی)
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱,۸۰۰,۰۰۰
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۲,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲,۲۵۰,۰۰۰
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۴,۵۰۰,۰۰۰
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۷,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۸,۰۰۰,۰۰۰

از نظر الگوی استقرار گروه‌های اهل سنت ایرانی، بلوچ‌ها با نیمه دیگر هسته بلوچی در پاکستان پیوستگی قومی دارد. همچنین، ترکمن‌ها در شمال شرقی ایران با ترکمنستان؛ آذری‌های شمال غربی ایران با آذربایجان و قلمرو کردنشین ایران نیز با نواحی کرد و کشور عراق و ترکیه ارتباط مذهبی و فرهنگی دارند. از منظر جغرافیایی، سکونت اهل سنت در نوار غربی کشور (کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه)، نوار جنوبی (هرمزگان، بوشهر)، نوار شرقی (خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان) و نوار شمالی (خراسان شمالی، گلستان و اردبیل) قابل تشخیص است. اگرچه استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و گلستان پرجمعیت‌ترین استان‌های اهل سنت نشین ایران هستند، از نظر تراکم عددی، جمعیت اهل سنت به ترتیب در استان‌های کردستان (۸۸ درصد)، سیستان و بلوچستان (۷۲ درصد)، استان آذربایجان غربی (۴۸ درصد)، گلستان (۳۵ درصد) و هرمزگان (۳۴ درصد) بیشترین سهم را دارند (فرمانیان و بهشتی، ۱۴۰۰: ۱۵).

سنت در ایران نیز عموماً در طیف‌های جریان‌های سیاسی، مذهبی و یا تلفیقی از این دو دسته‌بندی می‌شوند. جریان‌های اصلی شامل جماعت تبلیغ، جماعت دعوت و اصلاح و مکتب قرآن به دنبال گشایش فضای سیاسی و مذهبی پس از انقلاب اسلامی، در مناطق غرب و شرق کشور تشکیل شده‌اند و به فعالیت سیاسی و اجتماعی روی آورده‌اند (عنبرمو، ۱۳۹۹: ۱۷۵)؛ علاوه بر این جریان‌ها، باید به جریان‌های خردتر بریلوی و ماتریدیه در شرق، تصوف سنی در قالب قادریه و نقشبندیه در غرب و مذاهب کلامی با دامنه ملی نیز اشاره داشت (فرمانیان و بهشتی، ۱۴۰۰: ۵۶).

### ۱-۲- تاریخ سیاسی و اجتماعی اهل سنت در ایران معاصر

مهم‌ترین خصلت زیستی اهل سنت در دوره قاجار و پهلوی اول و دوم «غیبت و امتناع» است. این وضعیت در قالب فقدان حضور سیاسی و اجتماعی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی همچون تأسیس دولت ملی، غیبت در تدوین قانون اساسی مشروطیت، فقدان تسهیل‌گری و حمایت‌گری و عدم اجازه برپایی مراسم مذهبی و قومی در سطوح ملی است. رویکرد کلی نظام سیاسی پهلوی به اهل سنت، نادیده‌انگاری عامدانه و قائل بودن به «هویت محلی» اهل سنت، عدم تصریح حقوق در قانون اساسی مشروطه و در نتیجه، به رسمیت نشناختن حقوق شهروندی، عدم توسعه اماکن مذهبی، عدم حمایت‌گری در مواقع بحران مانند بروز قحطی گسترده (به‌خصوص قحطی ۱۳۲۲-۱۳۲۰)، عدم سامان‌دهی اهل سنت (بلوچ‌ها و کردها) در درگیری داخلی و برون‌مرزی با معارضین خارجی و محدودیت‌های اقتصادی است.

انقلاب اسلامی مهم‌ترین زمینه‌های تحرک سیاسی و اجتماعی اهل سنت ایران در قرن گذشته بود. اساساً گشایش فضای سیاسی در دهه ۱۳۵۰ فرصتی برای ظهور گفتمان‌های اهل سنت شامل اسلام‌گرایی محافظه‌کار در شرق کشور، ناسیونالیسم کردی و ترکمن، نوگرایی دینی و خرده‌گفتمان‌های چپ در غرب کشور بود (قریشی، ۱۳۹۹: ۶۷). از منظر حقوقی نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی در مسئله تحقق حقوق اهل سنت به روشنی از قانون اساسی مشروطه مترقی‌تر است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰). در قانون اساسی جمهوری اسلامی برای نخستین بار، مذاهب اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) به‌عنوان مذاهب اسلامی پذیرفته شد و علاوه بر اصول چندگانه مربوط به آزادی‌ها و مشارکت، حقوق چهارگانه (احترام کامل، انجام مراسم مذهبی مطابق فقه مذهبی، به رسمیت شناخته شدن تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها و برقراری مقررات محلی در حدود اختیار شوراها) به رسمیت شناخته





شد (شورای نگهبان قانون اساسی، ۱۳۵۸: اصل دوازدهم). به صورت جزئی تر می‌توان رابطه اهل سنت و نظام جمهوری اسلامی را به چند دوره خاص تقسیم‌بندی کرد:

- در دوره نخست (۱۳۶۸-۱۳۵۷) موسوم به دوره رشد و توسعه حقوق اهل سنت، اگرچه به واسطه رخدادهای ترکمن صحرا و مهاباد، در مقطعی تنش‌هایی در روابط میان حاکمیت و برخی نیروهای اجتماعی اهل سنت به صورت موقت پدید آمد؛ اما دعوت از نخبگان اهل سنت برای تدوین قانون اساسی، تشکیل یابی رهبران اهل سنت در قالب شوراها، برگزاری انتخابات شوراهای محلی (۱۳۵۸)، حمایت‌های حاکمیت از ساخت مساجد اهل سنت و مدارس علوم دینی مهم‌ترین نقاط عطف در جهت مفصل‌بندی رابطه و پایه‌گذاری قرارداد اجتماعی بود. تمایل نظام سیاسی برای مشارکت‌دهی اهل سنت در تدوین قانون اساسی سبب شد احمد مفتی‌زاده، عبدالعزیز ملازاده و حمیدالله میرمراذهی در جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی به طرح مباحث خود در زمینه حقوق مذاهب اسلامی، تحقق سیستم شورایی در اداره کشور و احیای شوراهای محلی بپردازند (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۰ مهر ۱۳۵۸).

- دوره دوم (۱۳۸۴-۱۳۶۸) موسوم به دوره گذار، اگرچه با تنش‌های ناشی از حملات تروریستی گروه‌های منتسب به مذاهب اهل سنت همراه بود، به سبب گفتمان بازسازی اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی و گفتمان جامعه مدنی دولت سید محمد خاتمی، با نوعی هویت‌یابی، رشد مشارکت سیاسی و تثبیت وضعیت اهل سنت در حاکمیت همراه شد. عواملی همچون توسعه سیاسی و غلبه گفتمان فرهنگ‌محور، ورود جدی‌تر به ساخت قدرت و تشکیل‌یابی سیاسی نیز در این دوره بستر مهم کاهش فاصله میان حاکمیت و اهل سنت شد.

- دوره سوم (۱۴۰۰-۱۳۸۴) با عنوان دوره تثبیت، با گفتمان عدالت‌گستری محمود احمدی‌نژاد آغاز شد. اقدامات عملی درخصوص توسعه مناطق مرزی (عمدتاً اهل سنت نشین)، توسعه عدالت آموزشی، افزایش حمل‌ونقل و ارتباطات منجر به پرورش نسل نوین از اهل سنت (نسل سوم و چهارم) در جامعه ایران شد که تساهل و ادغام‌پذیری بیشتری از خود در قبال نظام سیاسی و جامعه شیعی داشتند.

## ۲- اقدامات و رویکرد نظام جمهوری اسلامی در قبال اهل سنت ایران

اقدامات جمهوری اسلامی در ساحت‌های فردی و جمعی و معطوف به بهبود وضعیت زیستی اهل سنت و تحقق حقوق در جهت همسان‌سازی سطح اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، حوزه‌ای فراخ و فراگیر است. همان‌طور که بحث شد، مطابق نظریه ویل

کیملیکا، لازمه تحقق شهروندی چندفرهنگی در یک جامعه، تحقق جمعی از خیرها و حقوق است. در این بخش به اهم اقدامات نظام جمهوری اسلامی در قبال اهل سنت و کیفیت توزیع و تخصیص حقوق ذکر شده به اهل سنت پرداخته خواهد شد.

## ۲-۱- به رسمیت شناخته شدن شهروندی اهل سنت

یکی از دستاوردهای بنیادین نظام جمهوری اسلامی، شناسایی اهل سنت به عنوان شهروند و تصریح حقوق اساسی آن‌ها بود. به نظر می‌رسد این مهم با تأکید بر دو مؤلفه تأثیرگذار بر کنش سیاسی و اجتماعی در قالب «ارزش‌های مشترک» و «تعهدات مشترک»، قابل فهم است و کیفیت رابطه اهل سنت در قامت یک نیروی اجتماعی و جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی را بهتر تحلیل می‌نماید. روشن است علاوه بر این زمینه مذهبی که عامل چسبندگی مهم اهل سنت و شیعیان ایرانی در سده‌های اخیر بوده، دو مؤلفه مهم دیگر در حوزه سیاسی - اجتماعی قابل شناسایی است؛ مؤلفه ارزش‌های مشترک و تعهدات مشترک که به مثابه مواد استحکام ساختمان «قرارداد اجتماعی» قابل بحث است.

- **ارزش‌های مشترک:** زیست همدلانه اهل سنت و شیعیان برای قرن‌های متمادی در ایران حول برخی ارزش‌های معرفتی و هنجارهای عینی صورت پذیرفته که دارای اهمیت و مشروعیت متقابل است. علاوه بر اشتراک اصول دینی (اسلام)، یکی از زمینه‌های هم‌نشینی، تلفیق مذهبی با عنوان جریان «تسنن دوازده‌امامی» است که مولود فضای فرهنگی اهل سنت ایران در قرن هفتم هجری است. قائلان به جریان تسنن دوازده‌امامی بر این باور بودند که می‌توان میان چهار خلیفه سنی و دوازده امام شیعیان جمع کرد و هم‌زمان به همه آن‌ها اعتقاد داشت (جعفریان، ۱۳۷۷: ۲۵۵). این امتزاج میان شخصیت‌های دینی، به تدریج در سطح باور نیز نمود یافت و به تدریج با ضعف مذهب حنفی، فعالیت طریقت‌های صوفی، حضور مؤثرتر تشیع در اجتماع و پیوند آن با طریقت‌های تصوف سبب شد گزاره‌های مذهبی در بردارنده عناصر عرفانی شوند و تساهل مذهبی صوفیان به تدریج زمینه را برای ورود مضامین تلفیقی شیعی و سنی به ساحت سیاست، مذهب و جامعه ایران فراهم کند (منز، ۲۰۰۷: ۸۶). مظاهر این اعتقاد شامل تشریک فضا و همجواری اماکن مذهبی، احترام به عقاید و شرکت در مناسک مذهبی متقابل است.

- **تعهدات مشترک:** علاوه بر ارزش‌های مشترک، اهل سنت ایران با تعریف برخی تعهدات مشترک، زمینه نظری لازم برای کنش فعال در سیاست و اجتماع را فراهم ساختند. آن‌ها از شاخص‌هایی همچون وطن شرعی مشترک، ارتقای سطح بحران‌های موجود در ایران به بحران‌های مشترک (از جمله استبداد پهلوی، جنگ تحمیلی) و لزوم



مشارکت برای ایفای تعهدات استفاده کردند. با توجه بر این گزاره، اهل سنت ایرانی تأکید کردند که با وجود ایرانی بودن، می‌توان سنی ماند و با وجود سنی بودن، بر ایران نیز اهتمام داشت. به دلیل غیبت اهل سنت در فرایند تأسیس دولت ملی و سیاست‌های ضد مذهبی پهلوی‌ها، مسئله «ایران جدید» پس از انقلاب اسلامی برای اهل سنت از اولویت جدی برخوردار بود. به نظر می‌رسد این اهمیت از دو جهت قابل بررسی است. نخست، پذیرش فعالیت و مشارکت سیاسی اهل سنت در ساخت حکومت بنابر تصریح قانون اساسی؛ دوم، ایجاد یک حکومت اسلامی به واسطه برقراری اسلام سیاسی در ایران که برخلاف دولت پهلوی، سیاست ضد مذهبی و ضد قومی را دنبال نمی‌کرد؛ از این رو، پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی برای اهل سنت مترادف با حکومت اسلامی بود (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، جلسه هجدهم: ۴۶۳ - ۴۵۹).

## ۲-۲- نهادسازی و رویکرد نهادمند به اهل سنت

نهاد در این پژوهش نه به معنای ساختار و تشکیلات بلکه مجموعه قواعد و مقرراتی است که در یک جامعه به وجود می‌آید و حافظ ساختارها و تشکیلات ایجاد شده برای آن است. تقویت نهادهای موجود در حوزه اهل سنت مانند نهاد مذهب و نهاد روحانیت در دستور کار نظام جمهوری اسلامی قرار داشته است. نهادسازی در بطن خود معطوف به زیرنهادهایی مانند هویت بخشی، ساختار سازی، کادر سازی، شکل سازی و حفظ سرمایه‌های اجتماعی است. در جدول زیر مصادیق کلان و جزئی تر این برنامه آمده است.

جدول شماره ۲. ابعاد نهادسازی نظام جمهوری اسلامی برای اهل سنت

مصادیق و ابعاد نهادسازی نظام برای اهل سنت	
به رسمیت شناختن هویت مذهبی؛ رسمیت بخشی به فقه و تشخیص دهی به روحانیت اهل سنت	هویت بخشی
تأسیس ساختار آموزشی، فرهنگی و تبلیغی (سازمان اوقاف، مراکز بزرگ اسلامی، مجمع تقریب، مراکز حمایتی و غیره)	ساختار سازی
تربیت و آموزش ائمه‌ها، علمی و سیاسی اهل سنت ایرانی	کادر سازی
تأسیس تشکل‌های مذهبی و آموزشی، احیای شوراهای (شورای افتاء، شورای ائمه جمعه) و انجمن‌های علمی و تحقیقاتی خاص اهل سنت کشور (دانشگاه مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب، مؤسسات پژوهشی و مراکز تخصصی)	تشکل سازی
رشد جمعیت، امنیت سازی فردی و ساختاری (روحانیت اهل سنت و اماکن مذهبی)، حفظ میراث ملموس و غیرملموس اهل سنت	حفظ سرمایه‌های اجتماعی

در این زمینه، نظام جمهوری اسلامی همچنین به استقلال نهاد مذهب، تقویت باورهای مذهبی اهل تسنن، اختصاص یکی از بزرگ‌ترین مساجد ایران به اهل سنت (مسجد مکی زاهدان)، اختصاص بیشترین سرانه مسجد به فرد (استان هرمزگان) و اختصاص بیشترین سرانه مسجد به شهر (سنندج) قائل است.<sup>۱</sup>

### ۲-۳- تثبیت هویت ملی

جمهوری اسلامی به‌مثابه چتری همگانی در گستراندن هویت ملی اهل سنت ایرانی متشکل از ترکیب پاسداشت هویت ملی و احیای هویت مذهبی نقش قابل‌تأملی داشته است. پاسداشت هویت قومی از مجرای اقداماتی همچون پذیرش اقوام و مذاهب اهل سنت در اسناد بالادستی (قانون اساسی و قوانین عادی)؛ مقابله با سیاست ادغام و حذف قومی و مذهبی؛ تعریف و عملیاتی کردن حقوق اساسی اهل سنت در قوانین و مقررات کشور؛ تثبیت حقوق سیاسی و اجتماعی؛ قائل بودن به آزادی‌های اجتماعی؛ حمایت از افزایش جمعیت (۲/۵ میلیون در سال ۱۳۵۷ به ۸ تا ۱۰ میلیون در ۱۴۰۰)؛ اجازه تدریس به اهل سنت در مدارس؛ تشخیص‌دهی به شأن علما و روحانیون اهل سنت؛ کاهش تنش‌های قومی در مناطق اهل سنت نشین از طریق اقناع افکار عمومی و تلاش برای حفظ میراث‌های قومی و مذهبی (حجره‌ها، خانقاه‌ها) صورت پذیرفته است. در زمینه احیای هویت مذهبی نیز جمهوری اسلامی تلاش نموده با تأکید بر استقلال مذهبی اهل سنت ایرانی، فراهم کردن بستر برگزاری مناسک مذهبی (نماز تراویح، ختم صحیح بخاری)، احترام به شئون مذهبی، اعطای آزادی‌های حقوقی، قضایی و احوال‌شخصیه، تسهیل ارتباط بین‌المللی علمای اهل سنت از مجرای تأسیس مجامع علمی، اعزام به مراسم حج و اجلاس‌های بین‌المللی و تعهد به تحصیل رایگان در مدارس و مراکز تخصصی، اهتمام لازم را ایجاد کند. همچنین، باید به توسعه فیزیکی و افزایش کمی و کیفی مدارس علوم دینی و مساجد و سایر اماکن آموزشی و مذهبی در کنار تجهیز و نوسازی مداوم آن‌ها نیز اشاره داشت.

### ۲-۴- برگزاری مناسک و بسط ارتباطات اجتماعی

اهل سنت در ایران، طیف گسترده‌ای از جشن‌ها، مناسبت‌ها و مناسک فردی و جمعی را برگزار می‌کنند. این وضعیت که به‌صورت چندجانبه‌ای به آزادی‌های اجتماعی و هویت‌مندی اهل سنت در نظام جمهوری اسلامی مربوط می‌شود در حوزه‌های مذهبی و

۱. داده‌های این بخش از مشاهده میدانی نگارندگان، مصاحبه با اهل سنت و تحلیل نتایج حاصل از آن به‌دست آمده است.



فرهنگی و در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی دایر است. از جمله مهم‌ترین مناسک مذهبی می‌توان به موارد موجود در جدول زیر اشاره کرد.

جدول شماره ۳. مناسک جمعی اهل سنت به همراه سطوح مشارکت

مناسک	سطح
نماز تراویح	ملی
آیین بیعت و بس	منطقه‌ای (غرب)
ختم صحیح بخاری	ملی

علاوه بر این، با توجه به زیست طولانی مدت و همگن اهل سنت با شیعیان در ایران، از دیرباز ارتباطات اجتماعی «میان‌مذهبی» دارای پیشینه عمیقی بوده است. از جمله مظاهر ارتباطات اجتماعی میان اهل سنت و شیعیان می‌توان به مواردی همچون ازدواج متقابل اهل سنت و شیعیان، شرکت متقابل علمای اهل سنت و شیعیان در مناسبات مذهبی، تشکیل کنفرانس‌ها و هیئت‌های مشترک شیعی و سنی و صدور فتاوی مشترک در موضوعات ملی و بین‌المللی اشاره کرد.

#### ۲-۵- همسان‌سازی توسعه و رفع محرومیت‌ها

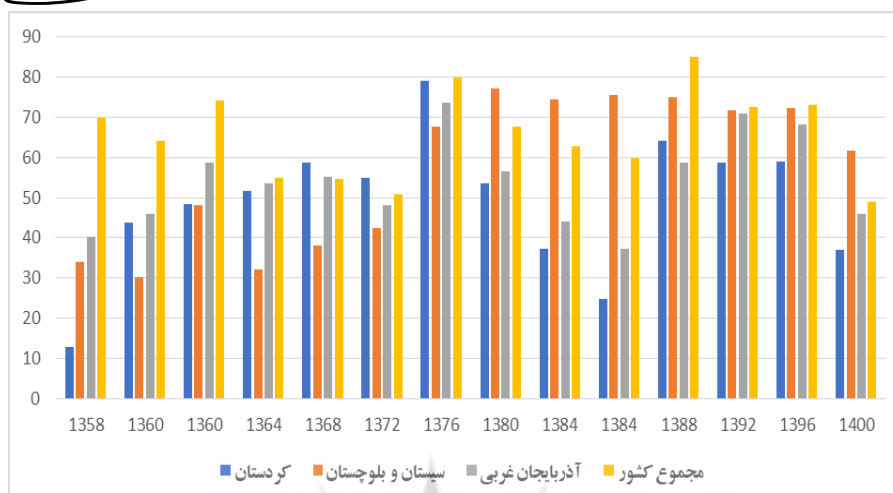
یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بحث در خصوص تفاوت در سطوح توسعه و معیشت مناطق اهل سنت نشین با سایر مناطق، عوامل تاریخی - ساختاری است. اقدامات صورت گرفته در دوره پهلوی اول و دوم در عقب‌نگه‌داشتن عامدانه مناطق کردستان، سیستان و مناطق جنوبی از اهم دلایل وجود تبعیض ساختاری هستند. این وضعیت مولود دهه‌ها سیاست عقب‌نگه‌داشتن عامدانه این مناطق از سوی نظام سیاسی پهلوی است که با سیاست‌هایی همچون کوچ اجباری اقوام و مذاهب، قرار دادن در تنگناهای معیشتی، واگذاری امنیت به خوانین و ملاکان محلی و اعمال محدودیت برای روحانیون اهل سنت، مهاجرت‌های بیرونی و سوءظن دائمی نسبت به اقوام و مذاهب همراه بوده است. با درک این وضعیت، نظام جمهوری اسلامی برای رفع تبعیض و تحقق عدالت در سطح مختلف، به عملیاتی نمودن مجموعه سیاست‌هایی اقدام نموده است. از جمله این موارد می‌توان به ساختارسازی نظام جمهوری اسلامی برای رفع محرومیت از مجرای تقسیم سیاسی استان‌ها، بودجه‌ریزی عادلانه، رشد تصاعدی تخصیص و در نظر گرفتن بودجه ویژه برای مناطق اهل سنت نشین، توسعه مناطق اهل سنت نشین به جای سیاست جابه‌جایی و تلاش برای جبران خسارت‌های زیرساختی ناشی از جنگ تحمیلی در مناطق غربی و پیگیری تداوم این سیاست‌ها اشاره نمود. همچنین، در سند بودجه دولت که سند

تخصیص هزینه‌های دولت برای پوشش دادن به برنامه‌ها و اهداف جامعه است، این سیاست همسان‌سازی توسعه دنبال می‌شود. در ایران دولت علاوه بر درآمدهای نفتی، مجموعه منابعی از جامعه دریافت و آن را مجدداً در جامعه بازتوزیع می‌کنند؛ با این تفاوت که سهم استان‌های اهل سنت نشین به دلیل محرومیت و نیاز به توسعه مداوم غالباً بیشتر از استان‌های شیعه‌نشین است. به گونه‌ای که استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و کردستان همواره از سهم بالاتری برخوردار هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰).

#### ۲-۶- مشارکت سیاسی و تعالی رفتار سیاسی

در حوزه بسط توسعه سیاسی، ایفاد حقوق اساسی و مشارکت‌دهی اهل سنت در ساختار قدرت و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، زمینه مهم بوده است؛ از این رو، سیاست‌گذاران با تأکید بر مواردی همچون تسهیم قدرت سیاسی در سطوح خرد و کلان، امکان ارتقا از سطوح استانی و منطقه‌ای به ملی، طرح‌ریزی افق‌های سیاسی حکمرانی و اسناد سیاسی بالادستی، تأکید بر حقوق عامه اهل سنت، تلاش برای بسط اعتماد سیاسی و امکان فعالیت سیاسی برای همه اقشار اهل سنت، امکان مشارکت سیاسی اهل سنت و وارد شدن مطالبات اهل سنت در مدار سیاست‌گذاری‌های کلان، تقویت ظرفیت‌ها و توانمندسازی سیاسی از مجرای اختصاص سهم نمایندگی (مجلس خبرگان قانون اساسی و ادوار مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر و روستا)، هم‌پذیری نخبگان اهل سنت در رسانه‌ها از مجرای انتشار عمومی نقدها، همواره در تلاش بوده بلوغ سیاسی و هم‌افزایی ساختاری با حقوق سیاسی اهل سنت را صورت دهد. به عنوان مثال، برای درک رفتار سیاسی اهل سنت، بررسی مشارکت سه استان اکثریت سنی سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی در رابطه با ادوار انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند مفید باشد.<sup>۱</sup>

۱. آمارهای این بخش از داده‌های موجود در وزارت کشور اخذ شده است. برای اطلاعات بیشتر رک به [moi.ir/x3kpH/](http://moi.ir/x3kpH/)



نمودار شماره ۱. مشارکت استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی در ادوار انتخابات ریاست جمهوری

بنابر داده‌های نمودار بالا، در دهه‌های اول جمهوری اسلامی، میزان مشارکت در استان‌های سیستان و بلوچستان، به دلایل مختلف از جمله ناامنی، از مشارکت کلی عقب‌تر بود؛ با این حال، به تدریج مشارکت در این استان‌ها از انتخابات ۱۳۶۸ بهبود یافت و در سال ۱۳۷۶ با میانگین مشارکت کشور برابری نمود. روندی که در سال‌های دهه ۱۳۹۰، با میانگین کل مشارکت در کشور برابری کرده و در مقاطعی مانند ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ افزون‌تر است. میزان رشد رأی‌دهی اهل سنت در سال‌های اخیر به روشنی نشان از نوعی تعیین‌کنندگی و اراده این گروه مذهبی برای مداخله‌گری و افزایش شرکت در سطوح ملی و منطقه‌ای دارد. از دیگر موارد مهم در حوزه نهاد سیاست می‌توان به اختصاص پست‌های مدیریتی کلان همچون فرمانداری به زنان اهل سنت اشاره داشت (وزارت کشور، ۱۳۹۶).

تحلیل نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته نیز ناظر بر واقع‌گرایی و رضایتمندی اهل سنت در خصوص کیفیت حکمرانی جمهوری اسلامی است. به نظر می‌رسد این وضعیت معلول چند علت اساسی است. از جمله: ۱- تجربه حاکمیت شبه‌سکولار پهلوی دوم که از نظر قومی و مذهبی سبب امتناع و طرد اهل سنت از جامعه شد؛ ۲- تأسیس و تداوم حکومت اسلامی که در هر سطح و با هر درجه از مشارکت، حکومت مطلوب اهل سنت در ایران است و ۳- جمهوری اسلامی برای اهل سنت ایرانی مترادف با پایان

بیش از سه قرن امتناع از سیاست و هویت مذهبی بود. همچنین، از منظر مصاحبه‌شوندگان، موارد زیر در شمار مواضع برجسته و بنیادین اهل سنت در حوزه سیاست قرار دارد. مواردی همچون واقع‌بینی سیاسی، ترجیح اهل سنت بر مشارکت و همراهی تا فعالیت سیاسی آشکار، فقدان شخصیت تأثیرگذار و جامع اهل سنت در ایران به منظور ارتباط‌بخشی منطقی با حاکمیت، رضایت نسبی اهل سنت از حاکمیت و غیرسیاسی بودن بدنه اهل سنت در ایران، محدودیت‌های فکری و فرهنگی اهل سنت در زمینه حکمرانی و سیاست‌ورزی و همدلی اهل سنت با سایر گروه‌های مذهبی.

### ۳- برهم‌کنش اهل سنت با نظام جمهوری اسلامی

سازمان ارتباطی اهل سنت و جمهوری اسلامی نه مبتنی بر رابطه عمودی و یک‌سویه، که در نتیجه تجارب تاریخی و تضمینات سیاسی، ارتباطی دوطرفه است. با به رسمیت شناخته شدن و تشخیص‌دهی سیاسی-اجتماعی توسط جمهوری اسلامی، اهل سنت مبادرت به انجام مجموعه اقداماتی در سطوح ملی نموده‌اند که شرکت گسترده در جنگ تحمیلی، مشارکت در تأمین امنیت مناطق و کاهش گسست‌های اجتماعی در زمره مهم‌ترین موارد است.

#### ۳-۱- شرکت در جنگ تحمیلی

پس از تأسیس ارتش مدرن در ایران، اگرچه بخشی از کردها و ترکمن‌ها به دلیل سابقه درگیری با حکومت مرکزی و آنچه «تاریخ سرکشی» این مناطق خوانده می‌شد از پیوستن به ارتش پهلوی خودداری کردند، مناطق جنوبی مانند اعراب سنی و بلوچ‌ها به صورت سنتی در ارتش و نیروهای پلیس ملی حضور داشتند (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۲۰)؛ از این رو، جنگ تحمیلی فرصت مهمی برای تحرک سیاسی و اجتماعی بخشی از اهل سنت در حوزه دفاع و نظامی‌گری بود تا بتواند شکاف‌های اجتماعی خود با حاکمیت شیعی و جامعه شیعه ایرانی را بهبود ببخشد. اهل سنت در دو سطح انسانی در قالب نیروی رزمی - نظامی و سطح فعالیت‌های پشتیبانی و خدمات به همکاری با جامعه شیعی پرداختند. در سطح نیروی نظامی، طیف گسترده‌ای از زنان و مردان اهل سنت وارد فعالیت‌های معطوف به دفاع و جنگ شدند. آن‌ها علاوه بر حضور فردی، به تشکیل ساختارهایی برای حضور منسجم و فعال‌تر در جنگ به صورت مستقل یا ذیل نیروی نظامی ایران اقدام کردند (صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۰). مطابق آمار نهادهای رسمی، تعداد شهدای اهل سنت ۱۱،۱۲۹ نفر و جانبازان ۲۵۰۰۰ نفر بوده است. بیشترین تعداد شهدای اهل سنت متعلق به استان‌های کردستان (۴۵۶۳ شهید)، آذربایجان غربی



(۳۴۷۵)، کرمانشاه (۱۲۹۷)، سیستان و بلوچستان (۵۳۳)، گلستان (۴۳۱)، خراسان رضوی (۲۱۸) و هرمزگان (۱۰۷) است (وبسایت بنیاد شهید و امور ایثارگران).

### ۳-۲- امنیت‌افزایی برای نظام جمهوری اسلامی

باتوجه به سکونت اهل سنت در مناطق مرزی، آن‌ها از نخستین گروه‌هایی هستند که با تروریسم و خشونت فرامرزی مواجه بوده‌اند؛ از این رو، برقراری امنیت در این مناطق و غلبه بر تنش‌ها، برآیند همکاری بدنه اهل سنت با نظام سیاسی بوده است؛ از جمله شامل مرزبندی اهل سنت با گروه‌های افراطی و تروریستی هم‌مذهب و مقابله با آن‌ها در مناطق شرقی و غربی، بومی نمودن امنیت از مجرای تأمین امنیت مرزها، پذیرش، تثبیت و بسط حکمرانی سیاسی نظام جمهوری اسلامی در مناطق، فراهم کردن بسیج عمومی برای نظام جمهوری اسلامی و ترجیح چهارچوب نظام جمهوری اسلامی به دیگر کشورهای منطقه. همچنین، باید به اقدامات حول کاهش گسست‌ها و افزایش همبستگی اجتماعی در مناطق اهل سنت نشین نیز اشاره نمود؛ از جمله تقویت سنت‌های دینی از مجرای انجام مناسک اسلامی، تأکید بر عنصر قوام‌بخش ایرانی‌ت در مواجهه با تجزیه‌طلبان، مقابله با تهدیدهای خارجی، نفی رادیکالیسم مذهبی، هم‌پذیری با ارزش‌های جامعه شیعی و واکنش‌پذیری محدود به شکاف‌های اجتماعی. روی هم‌رفته، رابطه میان نظام جمهوری اسلامی و اهل سنت ایرانی متناظر بر حوزه‌های متداخل، متقابل و تعاملی بوده که در شکل زیر، سطوح رابطه و نظم منطقی تعامل آن‌ها به تصویر درآمده است.



شکل شماره ۱. عناصر راهبردی در روابط متقابل اهل سنت و نظام سیاسی جمهوری اسلامی همان‌طور که مشخص است رویکرد تعاملی و همزیستی همدلانه افکار و اقدامات

نظام جمهوری اسلامی و اهل سنت ایرانی در یک روند دوطرفه به نوعی هم‌افزایی سیستمی رسیده است؛ به این صورت که با فهم چندلایه و دسته‌بندی مجموعه اقدامات نظام جمهوری اسلامی برای اهل سنت و مجموعه پاسخ‌های متقابل اهل سنت به نظام جمهوری اسلامی و جامعه شیعی، می‌توان در چهار محور اصلی فوق شامل نهادسازی و تثبیت هویت ملی اهل سنت و ثبات سیاسی و امنیت‌افزایی، این دیالوگ ساختار - کارگزار را جمع‌بندی نمود. جایی که نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر نهادسازی و تثبیت هویت ملی اهل سنت به افزایش ثبات سیاسی و ارتقای امنیت جمعی در ابعاد ذهنی و عینی نائل می‌شود و از جانب دیگر، فراهم نمودن ثبات سیاسی و ایجاد امنیت برای جامعه و نظام سیاسی از جانب اهل سنت، تقویت نهادها و حمایت‌های نظام را در جهت تثبیت هویت ملی و مذهبی به دنبال دارد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاشی بود در راستای پاسخ به این سؤال که وضعیت سیاسی و اجتماعی اهل سنت ایران در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی، چه تناسبی با واقعیت‌ها و بازنمایی‌ها دارد. برای پاسخ به این سؤال تلاش شد با استفاده از مبانی نظریه شهروندی چندفرهنگی ویل کیملیکا، تاریخ‌نگاری اجمالی دوره‌های تاریخی و تحلیل اقدامات متقابل، وضعیت زیست اهل سنت در ایران پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۴۰۰ مورد تأمل قرار گیرد. مطابق نظر ویل کیملیکا، لازمه تحقق شهروندی چندفرهنگی در یک جامعه، تحقق جمعی از خیرها و حقوق است؛ از این رو، با بررسی و تحلیل سیاست‌ها و اقدامات کلان در چهاردهه پس از انقلاب اسلامی، مشخص شد جمهوری اسلامی با سیاست‌گذاری مرحله‌ای و در نظر داشتن ملاحظات و بلوغ سیاسی، نسبت به ایفاد حقوق از مجرای نهادسازی و حمایت‌های گسترده مالی و اجتماعی، حقوق نمایندگی گروه‌های ویژه شامل توسعه سیاسی و تخصیص کرسی‌های شوراهای شهر و روستا، مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی به اهل سنت و در حوزه حقوق خودحاکمیتی نیز با توجه به شکل متمرکز ساخت سیاسی، به احیای شوراهای اسلامی شهر و روستا، اعطای حقوق و اختیارات در حدود وظایف شورا و وارد ساختن اهل سنت در ساختار قدرت اقدامات عملیاتی را صورت داده است و زمینه را برای مصداق‌پذیری اهل سنت به‌عنوان شهروندی چندفرهنگی فراهم نموده است. مهم‌ترین رویکرد نظام جمهوری اسلامی برای اهل سنت کشور، مجموعه‌ای از اقدامات، عملکردها و رویکردها حول

دال محوری «نهادسازی برای اهل سنت ایرانی» در کنار تثبیت هویت ملی اهل سنت ایرانی، تقویت هویت مذهبی اهل سنت، در پی تلاش برای مرتفع کردن مسئله تبعیض قومی - مذهبی و مشارکت اهل سنت در قدرت سیاسی آمده است. طبعاً اهل سنت ایران نیز با واقع‌گرایی سیاسی و در نظر داشتن تجارب تاریخی، ضمن بسط ارتباطات خود با وضعیت انقلابی جدید و همراهی با ارکان نظام جمهوری اسلامی، زمینه تعامل و رفع برخی اختلال‌های ساختاری در ابعاد سیاسی، اقتصادی و مذهبی را فراهم آوردند. مجموعه اقدامات اهل سنت پس از انقلاب اسلامی را می‌توان حول دال محوری امنیت‌افزایی برای نظام جمهوری اسلامی مورد تحلیل قرار داد. در پایان، نگارندگان این پژوهش همچنین مجموعه پیشنهادها و سیاستی زیر را به‌منظور بسط رویکرد تنظیم‌گری و تسهیل‌گری رابطه جمهوری اسلامی و اهل سنت مطرح می‌نمایند:

- توسعه دامنه مشارکت اهل سنت؛
- تغییر سازوکار اطلاع‌رسانی و تبیین اقدامات نظام جمهوری اسلامی؛
- توسعه دامنه ارتباطات نظام با تمامی اقشار اهل سنت؛
- توجه به تغییرات اجتماعی و محیط پویای اهل سنت؛
- در نظر داشتن تحول در هویت ملی و بین‌المللی شخصیت‌ها و تغییر علایق و سلاقی جمعی؛
- سرایت مسائل جامعه شیعی به مسائل اهل سنت و بالعکس؛
- لزوم بازاندیشی در فاصله گرفتن از خصلت بوروکراتیک امر مذهبی اهل سنت.

#### یادداشت

۱- تعداد ۵۰ زن و مرد اهل سنت متشکل از ۱۷ زن و ۳۳ مرد اهل سنت، شامل پژوهشگران دانشگاهی، طلاب، مدیران مدارس علوم دینی، اساتید و زنان خانه داری است که در استان‌های اهل سنت‌نشین کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، گلستان، هرمزگان و خراسان با آن‌ها مصاحبه صورت گرفته است. داده‌های حاصل از مصاحبه با رویکرد تحلیلی (تحلیل مضمون) در سطوح کمی و کیفی بازآوری شد و نتایج آن در بخش‌های مختلف مقاله به‌ویژه در بخش نسبت نظام سیاسی و اهل سنت مورد استفاده قرار گرفت.

## منابع

- احمدی کلسانی، احمد (۱۳۹۸). *اهل سنت و جریان‌های تکفیری*. قم: نشر ادیان.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). *ایران، هویت، ملیت، قومیت*. به کوشش حمید احمدی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی: ۳۲۰-۳۱۱.
- احمدی، کوروش (۱۳۸۴). «جمهوری اسلامی و سازمان ملل در دوره آقای خاتمی»، *مجله سیاست خارجی*. شماره ۷۳: ۱۹۲-۱۵.
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). *مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. قابل دسترس در: <https://www.shora-gc.ir/0000Xq>
- برزگر، ابراهیم؛ مهنی‌زاده فلاحیه، غلامرضا (۱۴۰۱). «خوزستان و تهدیدات برساخت هویت قومی و مذهبی متغایر». *فصلنامه مطالعات ملی*. ۹۲. سال بیست‌وسوم. شماره ۴: ۸۵-۱۰۹.
- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۸). *متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان*. تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، قابل دسترس در: <https://www.shora-gc.ir/fa>
- توسلی رکن‌آبادی، مجید؛ صالح‌زاده، سیروان (۱۳۹۳). «مبانی نظری شهروندی چندفرهنگی در اندیشه‌های ویل کیملیکا»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. شماره ۳۷.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷). *تاریخ ایران اسلامی (از یورش مغولان تا زوال ترکمانان)*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۵۳). «اقلیت‌ها، یادداشت‌هایی از عصر پهلوی»، *مجله خاطرات وحید (خاطرات)*. قابل دسترس در کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران: <https://historylib.com>
- خبرگزاری انتخاب (۱۳۹۶). *پدیده انتخاباتی در سیستان و بلوچستان*. ۱۳۹۶/۳/۱. قابل دسترس در: <https://www.entekhab.ir/001RrA>
- درویشی، فرهاد؛ فردی تازه کند، محمد (۱۳۸۷). «مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی دولت خاتمی ۱۳۸۴-۱۳۷۶»، *مجله ژئوپلیتیک*. شماره ۱۳: ۱۳۶-۱۰۲.
- سلطانی، عبدالظاهر (۱۳۹۵). *اهل سنت ایران، فرصت‌ها و چالش‌ها*. پیرانشهر: نشر آراس.
- شورای نگهبان قانون اساسی (۱۳۵۸). *متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. قابل دسترس در: <https://www.shora-gc.ir/0001Dv>
- شیخ‌زاده، صدیقه (۱۳۸۵). *بررسی چالش جامعه اهل سنت بلوچ با نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- صادقی، رضا (۱۳۹۸). *روایت حسن رستگارپناه؛ کردستان در بحران امنیت و محرومیت*. تهران: نشر مرکز تحقیقات و اسناد دفاع مقدس.
- صدیق سروسنایی، رحمت‌الله؛ زائری، قاسم (۱۳۸۹). «بررسی گفتمان‌های فرهنگی پسانقلابی و روندهای چهارگانه مؤثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، *مجله پژوهشنامه*. شماره ۵۴: ۳۸-۹.
- عنبرمو، منصور (۱۳۹۹). «شناخت‌شناسی سلفی‌گری در ایران (مطالعه موردی: بررسی رویکرد جریان‌های مذهبی اهل سنت کشور)»، *مجله تاریخ اسلام و ایران*. سال ۳۰. شماره ۴۷: ۱۷۵.
- فتحی، الهام (۱۳۹۵). «نگاهی به وضعیت دین و جمعیت ایران در نیم‌قرن اخیر». *فصلنامه آمار*. شماره فصلنامه آمار. شماره ۲۱.
- فرمانیان، مهدی؛ بهشتی، محمدحسن (۱۴۰۰). *مذاهب در ایران*. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

- قریشی، جمیل (۱۳۹۹). گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرایی کردی اهل سنت در دوران پسا انقلاب. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کریمی، علی (۱۳۸۵). «چندفرهنگ باوری و همبستگی ملی؛ تأملی انتقادی»، فصلنامه مطالعات ملی. سال هفتم. شماره ۳: ۹۴-۱۱۴.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۱). اهل سنت ایران، تحلیل آماری برخورداری‌ها، متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت. تهران: معاونت طرح و بررسی‌های استراتژیک اداره کل بررسی‌های امنیتی. چاپ اول.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). متن کامل قانون اساسی مشروطه به‌علاوه متمم، ۱۴ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۴ ق. قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰/۱۲/۲۹). گزارش قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور. قابل دسترس در <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1742795>
- مسائلی، مهدی (۱۴۰۲). اطلس توصیفی اهل سنت ایران، جغرافیا و جریان شناسی مذهبی اهل سنت ایران. تهران: نشر امیرکبیر.
- وزارت کشور (۱۳۹۶). تحلیل نتایج انتخابات شورای شهر در استان سیستان و بلوچستان. قابل دسترس در وبسایت وزارت کشور: <https://old.moi.ir>
- Manz, Beatrice Forbes (2007). *power, politics and religion in Timurid Iran*, New York, Cambridge University Press,
- Kymlicka, Will (1995). *Multicultural Citizenship: A Liberal Theory of Minority Right*, New York: Oxford University Press.
- Kymlicka, Will (2011). Multicultural citizenship within multinational states, *Ethnicities*, Vol. 11.3, pp 281-302.
- بنیاد شهید و امور ایثارگران: <https://www.isaar.ir>
- وزارت کشور: <https://moi.ir>
- پژوهشکده آمار: <https://src.ac.ir/analytical-reports/ID/>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92633>
- مصاحبه با علمای اهل سنت، خبرگزاری فارس: <http://fna.ir/bppbzr>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی